

Typology of Imam al-Baqir's (AS) Approaches in Arguments and Citations of Debates: Quran, Hadith, and Sirah

Abbas Bouri¹

Mustafa Jafar tayyari Dehaghani²

¹ -Student PhD in "Shiite Sects", (Correspondence Autor), Faculty of Shi'i Studies, University of Religions and Denominations, Qom. **Email:** bouri@um.ac.ir; ab83312017@gmail.com; ab83312002@yahoo.com

² -Assistant Professor, Department of Shi'i studies, Faculty of Shi'i Studies, University of Religions and Denominations, Qom. **Email:** Jafartayari@urd.ac.ir; mostafatayyari@yahoo.com; Mjd38@chmail.ir

DOI: 10.22034/iscw.2024.715655

*Original
Research*

Received:
2024-08-05

Accepted:
2024-09-15

Keywords:
Imam al-Baqir (AS);
debate;
typology;
Quranic,
Hadith-
based, and
Sirah-based
arguments

Abstract: The debates of Imam al-Baqir (AS) have been presented and narrated in various forms, and researchers have examined and reflected upon them based on their research needs. However, these studies have primarily focused on a descriptive and historical approach to the debates, with less emphasis on their analysis, impact, and reflection of the Imam's (AS) conduct. Consequently, the question of "What approaches did the Imam (AS) adopt in his arguments and citations during debates?" has remained largely unexplored. As a result, there has been a lack of attention or neglect in "tracing the roots" of the Quran, Hadith, and Sirah in these debates and "uncovering" the Imam's (AS) Quranic, Hadith-based, and Sirah-based approaches in his arguments and citations. In their initial investigation of this question, the authors encountered the scholarly reputation of Imam al-Baqir (AS) among contemporary Orientalists and Shia scholars, as well as the Imam's (AS) Quranic, Hadith-based, and Sirah-based responses to inquiries from various individuals. Furthermore, they discovered that, according to Quranic scholars, the Quran has been neglected since the time of the Prophet Muhammad (PBUH). Moreover, Orientalists, based on their research, have continuously challenged the Quran. In addition to these factors, the ever-changing global challenges and the growing need for Quranic solutions have become increasingly apparent. These considerations have led the authors to explore the role of the Quran, Hadith, and Sirah, as well as the Imam's (AS) Quranic, Hadith-based, and Sirah-based approaches to argumentation and citation in his debates, using a descriptive-analytical method and employing scientific typology. Through their research, the authors have found that Imam al-Baqir (AS), in responding to questions from followers of the Imams, Muslims, adherents of deviant beliefs, and non-Imami religious sects, relied on the Quran, Hadith, Sirah of the Prophet (PBUH), traditions and beliefs of the questioners, and the statements of Sahaba (companions of the Prophet) accepted by the questioner. He would argue and cite these sources while addressing misinterpretations and arbitrary opinions. He would also make his answers conditional upon knowledge, tailor his responses to the personality of the questioner and the audience, and refrain from insisting on answers that were not receptive.

The authors consider it essential and evident to focus research on the Quran to bring it to the heart of society and remove its neglect, and to align research motivations and approaches with the centrality of the Quran and adherence to the Sirah of the Imams (AS), particularly Imam al-Baqir (AS), in order to address Quranic doubts and contemporary societal issues.

گونه‌شناسی رویکردهای امام‌باقر (ع)

در «استدلال‌ها و استنادات» مناظره‌ها، به قرآن، حدیث و سیره

مصطفی جعفر طیار^۲ دهاقانی

عباس بوری^۱

۱- دانشجوی Ph.D، فرقه‌های تشیع (نویسنده مسئول)، دانشکده شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم.

Email: bouri@um.ac.ir; ab83312017@gmail.com; ab83312002@yahoo.com

۲- استادیار، گروه شیعه‌شناسی، دانشکده شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم.

Email: Jafartayari@urd.ac.ir; mostafatayyari@yahoo.com; Mjd38@chmail.ir

Doi: 10.22034/iscw.2024.715655

چکیده: مناظره‌های امام باقر^(ع) به صورت‌های مختلف، مطرح و روایت شده است. محققان نیز آن‌ها را براساس نیازهای پژوهشی خود، بررسی و انعکاس داده‌اند. اما به مناظره‌ها، بیشتر نگرشی گزارشی گونه و تاریخی داشته و کمتر به تحلیل و بررسی تأثیر آن‌ها پرداخته‌اند. همچنین به «ریشه‌یابی جایگاه» قرآن، حدیث و سیره در مناظره‌ها و «کشف» رویکردهای قرآنی، حدیثی و سیره‌ای امام^(ع) در استدلال‌ها و استنادات ایشان، توجه نکرده یا از آن‌ها غفلت کرده‌اند. بنا بر این جای این سؤال همچنان خالی است که "امام^(ع) دراستدلال‌ها و استنادات خود در مناظره‌ها چه رویکردهایی داشته‌اند؟" نویسندگان در بررسی اولیه سؤال مذکور، با چند نکته رو به رو بوده‌اند: الف) شهرت علمی امام باقر^(ع) نزد مستشرقین معاصر شیعه پژوه؛ ب) پاسخ‌های قرآنی، حدیثی و سیره‌ای امام^(ع) در مناظره‌ها به پرسش‌گران؛ ج) اعتراف قرآن پژوهان به مهجوریت قرآن پس از پیامبر اکرم^(ص) و تاکنون؛ د) استمرار مقابله مستشرقان با قرآن، به استناد پژوهش‌های آن‌ها؛ ه) تغییر مستمر مسائل مبتلا به جهانی؛ و) محسوس بودن ضرورت روز افزون پاسخ‌یابی قرآنی برای آن مسائل. این موارد، واکاوی جایگاه قرآن، حدیث و سیره و رویکردهای استدلالی و استنادی قرآنی، حدیثی و سیره‌ای امام^(ع) در مناظره‌ها را به روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از گونه‌شناسی علمی، فرا روی نویسندگان قرار داده است. نتیجه آن که: امام^(ع) در پاسخ به سؤال پیروان ائمه، مسلمانان، صاحبان عقاید انحرافی و فرقه‌های مذهبی غیر امامیه، به چند منبع استدلال و استناد می‌نموده‌اند: ۱. قرآن؛ ۲. حدیث؛ ۳. سیره رسول الله^(ص)؛ ۴. سنت و باورهای اعتقادی سائین؛ ۵. قول صحابه‌ای که مورد تایید سائل بوده است؛ همچنین با تفسیر اشتباه و به رأی برخورد می‌کرده، پاسخ‌ها را به دانستن مشروط می‌نموده، متناسب با شخصیت سائل و حاضران پاسخ می‌گفته و بر پاسخی که زمینه پذیرش نداشته، اصرار نمی‌کرده‌اند. نویسندگان، قرآن محوری پژوهش‌ها برای آوردن قرآن به بطن جامعه و مهجوریت زدایی از آن را ضروری شمرده و قرار دادن انگیزه‌ها و رویکردهای پژوهشی بر محوریت قرآن و تمسک به سیره ائمه^(ع)، بویژه امام باقر^(ع) را برای پاسخگویی به شبهات قرآنی و مسائل مبتلا به جامعه، ضروری دانسته‌اند.

صص: ۹۲-

۶۱

نوع مقاله:

علمی

پژوهشی

تاریخ

دریافت:

۱۴۰۳/۰۵/۱۵

تاریخ

پذیرش:

۱۴۰۳/۰۶/۲۵

کلید واژه‌ها:

امام باقر(ع)؛

مناظره؛

گونه‌شناسی؛

استدلال‌های

قرآنی،

حدیثی و

سیره‌ای؛

۱. مقدمه:

مهجوریت قرآن، که «تَبَيَّنًا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹) و پس از پیامبر اکرم(ص) به اعتراف قرآن‌پژوهان تاکنون ادامه داشته‌است، مقابله مستمر مستشرقین در دوره معاصر با قرآن و در نتیجه با اسلام، مستند به پژوهش‌هایی که منتشر کرده‌اند^۱، اهمیت و بویژه شهرت امام‌باقر(ع) در پاسخ‌های قرآنی و حدیثی به سائلین و نیز برخورداری ایشان از احترام و اعتماد پژوهشگران طبق نظرات شرق‌شناسان و شیعه‌پژوهان و شهرت مناظره‌های ایشان از ابعاد مختلف بویژه از بعد پاسخ‌های قرآنی و حدیثی ایشان، حتی در پاسخ به سوالات غیرقرآنی و ضرورت روزافزون قرآن‌پژوهی با توجه به تغییر مستمر مسائل مبتلا به جهانی، بویژه توجه به اهمیت استمرار آینده‌سازی قرآن با درس از تجربه‌های مثبت و منفی گذشته که امام‌باقر(ع) در توصیف قرآن به آن اشاره فرموده‌اند (صالحی، ۱۳۸۹: ۲۰)، نویسندگان این مقاله را به پژوهش و واکاوی رویکردهای قرآنی، حدیثی و سیره‌ای امام‌باقر(ع) در مناظره‌های ایشان واداشته‌است.

۱.۱. مهجوریت قرآن

علامه سید محمدحسین طباطبایی فرموده‌اند به نظرمی‌رسد قضاوتی که دانشمندان درباره رفتار امت اسلام کرده‌اند قضاوت درستی باشد که گفته‌اند: «اهل سنت کتاب را گرفتند و عترت را رها کردند سرانجام کتاب هم از دست‌شان رفت و شیعه عترت را گرفته، کتاب را رها کردند و سرانجام عترت هم از دست‌شان رفت»؛ ایشان نتیجه‌می‌گیرند که «می‌توان گفت که امت اسلام، برخلاف دستور صریح رسول خدا(ص) که فرموده‌اند: «إِنِّي تَارِكٌ فِيمَكُمُ الثَّقَلَيْنِ...» هم قرآن را از دست دادند و هم عترت را، هم کتاب را و هم سنت را». علاوه بر این می‌فرمایند: «ممکن است یک محصل، متخصص در صرف، نحو، بیان، لغت، حدیث، رجال، درایه، فقه و اصول بشود، و حتی به پایه اجتهاد نیز برسد، ولی اصلاً دست به هیچ قرآنی نزده باشد» و اضافه‌می‌کنند که «اگر شما از این قسم از مسلمانان هستید عبرت بگیرید و در رفتارتان با قرآن تجدید نظر کنید!» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵ / ۴۴۹ و ۴۵۰) اما این فرایند همچنان ادامه داشته زیرا از پی ایشان، استاد مرتضی مطهری اظهار داشته‌اند: «خود

^۱ - به مواردی از این پژوهش‌ها در بخش ۲.۱، مستشرقین و قرآن و حدیث، اشاره شده‌است.

نسل قدیم، قرآن را متروک و مهجور کرده، آن وقت از نسل جدید گله دارد که چرا با قرآن آشنا نیست. قرآن در میان خود ما مهجور است و توقع داریم نسل جدید به قرآن بچسبد» (مطهری، ۱۳۶۸ش: ۲۲۵)... و می‌فرمایند نسل کهن باید از بزرگترین گناه خود که مهجور قرار دادن قرآن است توبه کند (همان: ۲۲۷).

این مهجوریت همچنان تا سال‌های اخیر هم ادامه یافته زیرا با وجود گذشت ده‌ها سال از بیانات و نوشته‌های این محققین، هنوز روند مهجوریت قرآن، محسوس است تا جایی که محسن قرائتی، قرآن پژوه و مفسر قرآن در آستانه ماه مبارک رمضان، خردادماه سال ۱۳۹۲ش، در نامه‌ای به مسئولان و فرهنگیان قرآنی جامعه به‌ویژه مبلغین، درباره مهجوریت قرآن، با استناد به آیه «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» (فرقان: ۳۰) این مهجوریت را غافلانه نمی‌دانند بلکه «باتوجه و عمد» می‌دانند و درخواست می‌کنند که به پاخیزیم و اگر غفلت یا تقصیر و قصوری بوده از خداوند عذرخواهی کنیم و از امروز قرآن را جدی بگیریم (قرائتی، ۱۳۹۲ش).

۲.۱. مستشرقین و قرآن و حدیث:

عبدالرحمن بدوی^۱ در تألیف «موسوعة المستشرقین»، اطلاعات بیش از ۱۵۰ مستشرق را ذکر کرده که هدف اصلی‌شان، تلاش برای آسیب به اسلام و تضعیف ساختار آن به وسیله تفسیر نادرست قرآن است او یادآور شده که اگرچه دانشمندان مسلمان هم، به وسیله احادیث به دفاع برخاسته‌اند اما آن‌ها با زیرکی جبهه جدیدی هم برضد احادیث گشوده‌اند (Hammad, 2022: 2)؛ در همین راستا محمد اسلام و همکارانش از پژوهش‌های خود، نتیجه گرفته‌اند که مستشرقان معاصر، همسو و در ادامه ایرادات مستشرقان پیشین به جنبه‌های مختلف اسلام، ضمن اعتراض به قرآن، احادیث، سیره، تاریخ و فقه اسلامی، با تحریف حقایق، مشغول به ایراد شبهات و باورهای نادرست متعددی هستند (Islam & et. 930-920: EI, 2022). علاوه بر این، پژوهش‌های حفصه نسرین^۲ نشان می‌دهد که مستشرقان به خاطر این که قرآن را پایه و دژ ایمان اسلامی می‌دانند، تمام تلاش خود را

^۱ - Abdul Rehman Badavi

^۲ - Hafsa Nasreen

می‌کنند تا این دژ را از بین ببرند (Nasreen, 2013: 35-52)؛ آن‌ها ایفاگر نقشی هستند که فضای ویژه اسلام‌هراسی در غرب را ایجاد کند و مردم را از درک تصویر واقعی و صحیح از اسلام دور سازد؛ هدف اصلی نوشته‌های آن‌ها این است که مردم از اسلام متنفر شوند (Islam & et. El, 2022: 920-930)؛ آن‌ها، در این هدف تا آنجا پیش رفته‌اند که پل نیلسن^۱، در کتاب «چگونه می‌توان با چپ در مورد اسلام مناظره کرد»، اسلام را خطرناک‌ترین مشکل قرن ۲۱ام می‌داند! در معرفی او می‌گویند که می‌خواهد در رهایی از اسلام، به غربی‌هایی کمک کند که می‌خواهند جلوی اسلامی‌سازی جهان غرب را بگیرند و کنترل آینده سرزمین‌هایشان را برای فرزندان و نوه‌هایشان بازپس بگیرند (books.google, 2017). همه این موارد، بویژه تغییر مستمر مسائل مبتلا به جهانی، بر ضرورت روزافزون قرآن‌پژوهی و تلاش هرچه بیشتر در این حوزه تاکید دارند.

۱.۳. امام‌باقر(ع) از دیدگاه مستشرقین معاصر:

جیمز ای بیل و جان‌الدن ویلیامز^۲، در نتیجه پژوهش‌های خود نشان داده‌اند که مراجع اهل سنت عموماً امام‌باقر(ع) را از محدثان معتبر که به زهد و سخاوت نیز شهرت داشته‌اند می‌دانند (Bill & Williams, 2002, 40). آرزینا لالانی^۳، امام‌باقر(ع) را متخصصی برجسته در فقه، تفسیر قرآن، علم حدیث و کلام می‌داند که مورد احترام مسلمانان شیعه و سنی است (Lalani, 2004: 8-9) محمدطاهر اقبالی، این نکته را در پژوهش خود نشان داده که از گذشته تا حال بسیاری از اهل سنت به برتری علمی اهل بیت(ع) اذعان داشته‌اند (اقبالی، ۱۳۸۹: ۸۷)؛ مورد متناسب با موضوع درباره امام‌باقر(ع)، نقل قول حافظ ابونعیم اصفهانی است که همه علما و دانشمندان را از نظر توان علمی فروتر از امام‌باقر(ع) ذکر کرده است (اصفهانی، ۱۴۰۷ق: ۶۸/۱) علاوه بر این، لالانی یادآور می‌شود که امام‌باقر(ع) به اتفاق آرا به عنوان مرجعی قابل اعتماد در حدیث شناخته می‌شود که دارای بالاترین درجه

^۱ - Paul Nielsen

^۲ James A. Bill, John Alden Williams - جیمز ای بیل، استاد مطالعات بین‌المللی و دولتی، و جان آلدن ویلیامز استاد علوم انسانی در دین، در کالج «ویلیام و مری» در ویلیامزبورگ، ویرجینیا، آمریکا هستند.

^۳ Arzina Lalani - آرزینا لالانی، متخصص در مطالعات شیعی است؛ در حال حاضر به عنوان محقق مدعو در موسسه مطالعات اسماعیلی لندن مشغول به کار است؛ او پیش از آن، در دانشگاه کمبریج ادبیات حدیث تدریس می‌کرده است

اعتماد، یعنی ثقه است (Lalani, 2004: 96). علاوه بر او، ایتان کولبرگ^۱ شیعه پژوه معاصر، شهرت امام باقر (ع) را به عنوان یک سنت‌گرا و محقق مذهبی بسیار فراتر از محافل شیعه ذکر کرده است (Kohlberg, 2022) و ران پی باکلی^۲ درباره ایشان، گفته که باقر در میان صوفیان شخصیتی شناخته و مرجعی ممتاز در پیچیدگی‌های علوم (دقایق‌العلوم) و اشارات ظریف قرآن (الاشارات) معرفی شده و در منابع صوفیانه، به بالاترین مقام‌های معنوی عارفان رسیده است (Buckley, 2022) و البته که علم و مقامات امامان معصوم (ع)، موهبتی الهی و لدنی است و امام باقر (ع) بالاترین مقامات معنوی عارفان را داشته‌اند.

۱.۴. مناظره‌ها^۳:

در مورد «مناظره» در منابع فارسی، تعاریف متعددی ارائه شده است؛ بعضی آن را «با هم نظر کردن، یعنی فکر کردن در حقیقت و ماهیت چیزی» دانسته‌اند (فرهنگ دهخدا: مناظره) و برخی هم این عبارت را مکالمه و گفت‌وگویی دوطرفه تعریف کرده‌اند که هر طرف با استدلال و ارائه براهین سعی می‌کند برتری و فضیلت خویش را بر دیگری به اثبات رساند و هدف اصلی از این فرایند را نیز، این گفته‌اند که دو طرف گفت‌وگو، به یاری یکدیگر، به کشف حقیقت نایل آیند و مشکلی را بگشایند (دانشنامه حوزوی ویکی فقه: مناظره). از لغت مذکور در منابع انگلیسی هم به صورت‌های گوناگون یاد شده است از جمله به معنای گفتگو برای رسیدن به نتیجه یا متقاعد کردن (The Merriam-Webster Dictionary: Debate) و نیز به عنوان فرآیندی که شامل گفتمان رسمی، بحث، و سخنرانی‌های شفاهی در مورد یک موضوع خاص یا مجموعه‌ای از موضوعات است (Oxford English Dictionary: Debate).

^۱ Etan Kohlberg - پروفیسور ایتان کولبرگ، استاد دانشگاه‌های ییل و پرینستون آمریکا و موسسه مطالعات پیشرفته دانشگاه عبری اورشلیم بوده است. تخصص وی اسلام شناسی و شیعه شناسی است و موضوع رساله دکتری او «جایگاه صحابه نزد شیعیان دوازده امامی» بوده که در سال ۱۹۷۱ در دانشگاه آکسفورد از آن دفاع کرده است.

^۲ Ron P. Buckley - ران پی باکلی، مدرس ارشد مطالعات عربی در دانشگاه منچستر انگلستان است.

^۳ - توجه: در تمامی این پژوهش، هر جا از کلمه «امام (ع)» استفاده شده، منظور «امام باقر (ع)» است.

مناظره، براساس نظر مورخان از جمله هرودوت^۱، پیشینه‌ای تاریخی دارد و بتحقیق می‌توان آثاری از آن را در بحث‌های فلسفی، سیاسی و اعتقادی در یونان و روم باستان، و در بین‌النهرین، ایران، هند و چین یافت؛ به نوشته هرودوت، هفت تن از بزرگان ایران، برای تعیین شکل حکومت آینده ایران در دوره داریوش [حدود ۵۲۰ پیش از میلاد] به مناظره نشستند^۲. اما شکل جدید مناظره‌ها طی عصر روشنگری از قرن هجدهم در دنیای غرب آغاز شد و نسبت به گذشته، دستخوش تحولاتی بسیار از جمله تمرکز بر موضوعاتی خاص و از پیش تعیین شده مانند مباحث اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و علمی گردید و به سراسر جهان هم سرایت کرد (Lilti, 2009: 1-11).

با توجه به این پیشینه، تاریخ اسلام بویژه تاریخ تشیع و بسیاری از «گفت و شنید»های امامان شیعه هم، حالت مناظره داشته و با سیر تحولاتی که در انعکاس آن‌ها ایجاد شده، برآثار و مناظره‌های پس از خود نیز تاثیر گذاشته و اهمیت یافته‌اند؛ ناصر مکارم شیرازی در «تفسیر نمونه»، ذیل آیه «وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل: ۱۲۵)، علت استفاده از مناظره را این‌گونه آورده که باید از طریق مناظره، ذهن آن‌ها را که از مسائل نادرستی انباشته شده، خالی نمود تا آماده پذیرش حق شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳ش: ۳۹۳/۱۰) علاوه بر این سیدمنذر حکیم در کتاب «شکافنده علوم، حضرت امام محمدباقر(ع)»، معتقد است که مناظره هدفمند می‌تواند افکار و مفاهیم انحرافی را ریشه‌کن کند؛ او مناظرات امام‌باقر(ع) با بعضی سران مخالف و اهمیت آن حضرت به مناظره با چنین اشخاصی را در این می‌داند که این سران تأثیر زیادی بر پیروان خود داشته‌اند، باین وصف در صورت هدایت آن‌ها به راه راست، تعداد زیادی از پیروان آن‌ها نیز اصلاح می‌شدند (حکیم، ۱۳۸۵: ۱۶۰/۷).

این مناظره‌ها از ابعاد مختلف و به صورت‌های گوناگون، طرح و روایت شده‌اند؛ محققین هم از زمان حیات ائمه تاکنون به بررسی و انعکاس آن‌ها مبادرت نموده‌اند اما بیش از تحلیل

^۱ - Herodotus

^۲ - به نوشته هرودوت، هفت تن از بزرگ زادگان پارس پس از برکناری بردیای دروغین برسر نوع حکومت باهم مناظره کردند و سرانجام نظر داریوش را مبنی بر انتخاب سلطان پذیرفتند و داریوش را به عنوان سلطان برگزیدند (هرودوت، ۱۳۸۴ش، ج ۳، ص ۹۴-۹۶).

مناظره‌ها و ایجاد ساختاری روشمند برای طی طریق علمی، تنها از آنچه رخ داده گزارش یا روایتی کرده‌اند که نگرشی صرفاً تاریخی داشته‌است. پس:

اولاً بنای مورخان و راویان مناظره‌ها، بی‌هیچ اشاره به فرایندی که مناظره‌ها شکل می‌گرفته، تنها گزارش گفتگو تحت عنوان مناظره بین دو نفر یا بین یک نفر و یک جمع یا گروه و یا یک نفر با یک نفر در یک جمع بوده و جای ارزیابی تحلیلی مناظره‌ها و در نتیجه دسته‌بندی موضوعی مبتنی برگونه‌شناسی آن‌ها خالی است. بنابراین بنای این پژوهش در مرحله اول «دسته‌بندی موضوعی»^۱ مناظره‌ها براساس «گونه‌شناسی علمی»^۲ تحلیلی - موضوعی مناظره‌های امام‌باقر(ع) بوده‌است.

ثانیاً راویان مناظره‌ها در پی علت و چرایی برگزاری مناظره‌ها نبوده تاراهی به پژوهش در تاریخ آن عصر مخصوصاً تاریخ اجتماعی آن که مغفول مانده، بازکنند.

ثالثاً به چگونگی برگزاری مناظره‌ها هم اشاره‌ای نداشته تازمینه ارزیابی کیفی آن‌ها را فراهم سازند؛ در عین حال، مرور همین گزارش‌ها و روایت‌ها که امروز وجهه‌ای تاریخی یافته و عنوان مناظره به خود گرفته‌است، مناظره‌های امام‌باقر(ع) را به لحاظ افراد شرکت‌کننده در آن مناظره‌ها، به این صورت دسته‌بندی می‌کند:

الف: مناظره با خود پیروان ائمه که بیشتر حالت پرسش و پاسخ یک‌طرفه، همراه با تایید سائل داشته‌است.

ب: مناظره با صاحبان عقاید انحرافی و فرقه‌های مذهبی غیرامامیه.

۲. فرایند پژوهش:

در اولین مرحله، هر مناظره را با تجزیه و تحلیل، براساس گونه‌شناسی موضوعی با دسته‌بندی گونه‌شناسانه در دسته‌های جداگانه طبقه‌بندی و اولویت بندی کرده در نتیجه زیرفصل‌های پژوهشی، ایجاد گردیده‌است. در این مرحله مناظره‌هایی در این تحقیق در نظر گرفته شدند که در آن‌ها استدلال‌های امام(ع) مستند به آیات قرآن، احادیث و سیره پیامبر اکرم(ص) و نیز مبتنی بر سیره صحابه و نیز روایات مورد پذیرش سائین بوده‌است. استدلال‌های امام(ع) در مناظره با مسلمانان و اصحاب فرقه‌های مذهبی مسلمان، بیشتر

^۱ - subject classification

^۲ - scientific typology

برقرآن و سنت و باورهای اعتقادی سائلین استوار بوده، این رویکرد ساختار اصلی این پژوهش را شکل داده‌است. این پژوهش، در پایان، با استفاده از یافته‌ها و باتوجه به نتایج به دست آمده، پیشنهادهایی تحقیقی از مناظره‌ها را ارائه می‌دهد.

۳. پیشینه تحقیق:

نویسندگان این مقاله، درباره امام‌باقر(ع) بیش از یکصد و هفتاد عنوان کتاب^۱ با عناوین زندگانی، سیره، شرح حال، گزیده احادیث و... که انتشار یافته، شناسایی کرده ولی در این میان کتابی خاصّ مناظره‌های ایشان به همان صورتی که مستقلاً درباره مناظرات امام‌صادق(ع) از جمله کتاب «مناظره امام‌صادق(ع) با زندق» (هزار جریبی استرآبادی، ۱۳۹۶)، و امام‌رضاع(ع) از جمله کتاب‌های «مناظرات تاریخی امام‌رضا(ع) با پیروان مذاهب و مکاتب دیگر» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴ش) و «مناظرات امام‌رضاع(ع) با علمای یهود» (ابراهیم، ۱۴۰۰) وجود دارد مشاهده نموده‌اند با این وصف با کتاب‌هایی درباره مجموعه مناظره‌های ائمه(ع) روبه‌رو شده‌اند که به صورت موردی برخی از مناظره‌های امام(ع) را هم در خود جاداده‌اند از جمله: «مناظره‌های معصومان علیهم‌السلام» (۱۳۹۲): جعفر سبحانی، «مناظره‌های آموزنده» (۱۳۹۱): «محمد محمدی ری شهری» و «مناظره‌های شگفت‌انگیز چهارده معصوم» (۱۳۸۱): «زهره فتحی»، که هر یک به فراخور پژوهش خود برخی از مناظره‌های امام‌باقر(ع) را هم ذکر کرده‌اند ولی مناظره‌ها را با نگرش گونه‌شناسانه یا حتی موضوعی بررسی نکرده و به ذکر محتوای مناظره به کار رفته، بسنده نموده‌اند و نیز کتاب‌هایی هم که تحت عناوین گوناگون، مانند زندگانی، سیره و یا شرح حال امام‌باقر(ع)، از جمله: «امام‌باقر علیه‌السلام: جلوه امامت در افق دانش» (۱۳۷۵): احمد ترابی، «زندگانی حضرت امام‌محمدباقر(ع)» (۱۳۸۰): رضا استادی، «امام‌باقر(ع)» (۱۳۵۷): مهدی پیشوایی، «دورنمایی از زندگانی امام‌باقر(ع)» (۱۳۵۸): علی‌اکبر حسنی، «امام‌باقر(ع) الگوی زندگی» (۱۳۸۳): محمد محمدی اشتهاردی، «حیة الامام‌الباقر علیه‌السلام» (ج ۱ و ۲، ۱۴۱۳ق): باقر شریف قرشی و «جلد ۷ از مجموعه «پیشوایان هدایت»، شکافنده علوم، حضرت امام‌محمدباقر(ع)» (۱۳۸۵): سیدمنذر حکیم [ترجمه کاظم حاتمی طبری]، روایت

۱- این کتاب‌ها با کلید واژه‌های «امام‌باقر» و «امام‌محمدباقر» همراه با جزئیات دسترسی، در سامانه یکپارچه مدیریت کتابخانه‌های عمومی با آدرس samanpl.ir و پایگاه اطلاع‌رسانی کتابخانه‌های ایران با آدرس lib.ir قابل جستجو است.

دوره زندگی ایشان را پوشش داده و هریک برخی از مناظره‌های امام(ع) را ذکر و به تناسب مطالب کتاب خود، آن‌ها را منعکس کرده‌اند. علاوه بر نویسندگان و کتب مذکور، علامه محمدباقر مجلسی هم، در باب ۱۲ از جلد ۱۰ کتاب «بحارالانوار»، تحت عنوان «مناظرات محمد بن علی الباقر و احتجاجانه علیه السلام»، تعدادی از مناظره‌ها را تنها روایت کرده‌است (مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰، ص: ۱۶۳-۱۵۰) اما جای گونه شناسی موضوعی مناظرات در آن کتاب‌ها خالی است مخصوصاً در هیچ موردی به مناظره‌ها با رویکردهای خاص قرآنی، حدیثی و سیره‌ای امام باقر(ع) در پاسخ به پرسش‌ها که اساس این پژوهش بر آن قرار گرفته، توجه نشده‌است.

جستجوی مقاله درباره «مناظره»، «مناظره‌ها» و «مناظرات امام باقر(ع)»، با کلید واژه‌های گوناگون در جویسگر فارسی «علم نت»^۱، «گوگل اسکالر»^۲ و به طور عمومی موتورهای جستجوی «گوگل»^۳ و «بینگ»^۴ دستاوردی به عنوان مقاله‌ای درباره مناظره‌های امام باقر(ع) به همراه نداشتند تنها دو مطلب مختصر از «جعفر سبحانی» تحت عناوین «مناظره امام باقر(ع) با گروه خوارج» (سبحانی، ۱۳۹۳ش «الف»: ۸) و «مناظرات امام باقر(ع) با معتزله و همفکران آن‌ها» (سبحانی، ۱۳۹۳ش «ب»: ۸) در ماهنامه «درس‌هایی از مکتب اسلام» که به ذکر مناظره‌های مذکور همراه با شرح کوتاهی از نویسنده پرداخته بودند مشاهده شد؛ این مطالب هم، همچنان که از عنوان‌های شان پیداست هریک، به یک مناظره از امام(ع) پرداخته و در هیچ‌یک، مناظره‌ها گونه‌شناسی و بررسی موضوعی نشده بودند هرچند به روش گونه‌شناسی، مقاله‌ای تحت عنوان «گونه‌شناسی و روش‌شناسی روایات تفسیری امام باقر(ع)» (محفوظی و همکاران،

^۱ - elmnet.ir

جویسگر علمی فارسی «علم نت» (elmnet.ir) با رویکردی شبیه به «گوگل اسکالر» و با تمرکز بر اسناد علمی فارسی، سایت‌های نمایه‌کننده اسناد علمی مانند میجران (magiran.com)، نورمگز (noormags.ir)، سیولیکا (civilica.com)، ایراندک (irandoc.ac.ir)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (ensani.ir)، پایگاه داده‌های علمی تمام متن (tpbin.com)، پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (sid.ir) و همچنین سایت‌های اصلی نشریات علمی پژوهشی، اسناد علمی را ایندکس کرده و در قالب یک جویسگر تخصصی و یکپارچه در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد.

^۲ - scholar.google.com

^۳ - google.com

^۴ - bing.com

۱۳۹۴ش: ۱۱۷-۸۵) موجود است اما همچنان که از عنوان این مقاله پیداست تنها به روایات تفسیری امام(ع) پرداخته و حتی به صورت موردی به یک مناظره هم اشاره نکرده است لذا مقاله «گونه‌شناسی رویکردهای امام(ع)» مسیر و اهدافی جدا از مقاله «محفوظی و همکاران» را طی کرده است.

به صورت موردی و در قالب گزارشات مناسبتی و خبری در روزنامه‌ها، مجلات و صفحه‌های وب، تنها به ذکر و گزارش برخی از مناظره‌ها پرداخته شده است اما بیش‌تر کاری مطبوعاتی - روزنامه‌ای بوده و جنبه پژوهشی نداشته، بنابراین باین تحقیق همسو نبوده و کمکی به پژوهش نکرده‌اند.

۴. مناظره‌ها و روش کار؛

۴.۱. مناظره‌های استفاده‌شده در پژوهش:

روایت مناظره امام‌باقر(ع) با قتاده بن دعامه نشان‌می‌دهد که امام(ع) به صورت روزانه به سؤالات مراجعه‌کنندگان در هر موقعیتی پاسخ می‌داده یا با افرادی هم، غیر از آن‌ها که مناظره یا گفتگوهایشان ضبط و ثبت شده، مناظره و گفتگو داشته‌اند اما مغفول مانده، ثبت نشده یا انعکاس تاریخی نیافته‌اند:

قتاده در مسجد پیامبر(ص) منتظر امام‌باقر(ع) بوده، در همین فاصله، امام(ع) در حالی که چند نفر از اهل خراسان و عده دیگری اطراف ایشان را گرفته بودند و از مناسک حج می‌پرسیدند وارد شدند و رفتند تا در جای خود نشستند؛ قتاده نیز رفت و نزدیک امام(ع) نشست.

«أَقْبَلَ أَبُو جَعْفَرٍ عَ وَحَوْلَهُ أَهْلُ خُرَّاسَانَ وَغَيْرُهُمْ يَسْأَلُونَهُ عَنْ مَنَاسِكِ الْحَجِّ

فَمَضَى حَتَّى جَلَسَ مَجْلِسَهُ وَجَلَسَ الرَّجُلُ قَرِيباً مِنْهُ» (کلینی، ۱۴۲۱ق: ۲۵۶/۶)؛

وقتی هرکس سؤال خود را کرد و رفت امام(ع) رو به قتاده نموده فرمودند:

«تو که هستی؟ گفت: من قتاده بن دعامه هستم» (همو، همان)؛

این روایت نشان‌می‌دهد که پیش از مناظره‌ها از جمله مناظره با قتاده، امام(ع) پاسخگوی دیگرانی هم بوده‌اند که پرسش و پاسخ‌هایشان ضبط و ثبت نشده است. مهم‌تر این که روایت می‌گوید: «امام(ع) وارد شدند و رفتند تا در جای خود نشستند» (همو، همان)، یعنی امام(ع) در مسجد پیامبر، جایگاه یا مجلسی داشته‌اند که در آنجا قرار می‌گرفته‌اند؛ با علم به این نکات

و باتوجه به هدف پژوهش مبنی بر بررسی مناظره‌ها به قصد گونه‌شناسی موضوعی - تحلیلی، مناظره‌ها مورد توجه قرار گرفتند. در این میان گاه تنها قولی قرآنی از امام(ع) نقل و روایت شده، از جمله:

«هیچ کس ادعا نکرده که کل قرآن را آن گونه که نازل شده، جمع‌آوری کرده‌است مگر کذاب؛ و هیچ کس قرآن را به همان صورتی که خداوند متعال آن را نازل کرده، جمع و حفظ نکرده مگر علی بن ابی طالب(ع) و امامان پس از او» (همان، ۲۲۸/۱)

و یا پرسشی از امام(ع) روایت شده‌بوده که با پاسخ آن، گفتگو پایان یافته و در نتیجه چنین روایت‌هایی نمی‌توانستند در راستای اهداف پژوهش واقع شوند و عنوان مناظره به خود بگیرند و بخصوص در تدوین این مقاله هم، نویسندگان از جمله با مواردی روبه‌رو شده‌اند که اگر چه هم سوال، قرآنی و هم پاسخ آن از سوی امام(ع) مستند به آیات قرآن بوده ولی «گفت و شنود»، با یک سوال و دریافت پاسخ آن به پایان رسیده‌است در نتیجه این موارد نیز نمی‌توانند عنوان مناظره به خود بگیرند. از جمله محمد بن مسلم گفته‌است:

از اباجعفر(ع) از این قول خداوند عز و جل: «قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي» (ص: ۷۵) پرسیدم، فرمودند: «ید» در کلام عرب، قوت و نعمت است و فرمودند: «وَأَذَكُرُ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ» (ص: ۱۷) و «وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ» (ذاریات: ۴۷) یعنی با قوت؛ و فرمودند: «وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ» (مجادله: ۲۲) یعنی ایشان را تقویت کرد و گفته‌می‌شود فلان کس را نزد من «ایادی بسیاری» هست، یعنی «فضیلت‌ها و احسان بسیاری» هست و او را نزد من «ید بیضاء» یعنی «نعمت» هست (ابن بابویه، ۱۳۹۸ ق: ۱۵۳)؛

بنابراین در مناظره‌ها این نکته مورد توجه بوده که گفت و شنود، حداقل حالت پرسش و پاسخ مناظره‌ای داشته، ادامه‌دار باشد و به یک سوال و دریافت پاسخ آن سوال ختم نشود؛ در نتیجه از موارد طرح یک سؤال و سپس دریافت پاسخ و در نتیجه اتمام پرسش و پاسخ، حتی اگر پرسش و پاسخ، قرآنی هم بوده پرهیز گردیده‌است علاوه بر این مناظره‌هایی مورد توجه بوده که در آن‌ها به آیات قرآن، احادیث، سنت، سیره پیامبر اکرم(ص) و صحابه هم پرداخته شده‌است.

امام(ع) رویکردهای خاص و مهم دیگری هم در «مناظره‌ها» و «پرسش و پاسخ»ها داشته‌اند که در سیره علمی ایشان ساری و جاری بوده‌است؛ خلاصه‌ای از اهم آن‌ها هم که به لحاظ اهمیت، مورد توجه واقع شده، تحت عنوان رویکردهای خاص در «مناظره‌ها» و «پرسش و پاسخ»ها بررسی و ارائه گردیده‌اند.

۲.۴. روش کار: گونه‌شناسی، دسته‌بندی موضوعی:

با توجه به این‌که «گونه، عبارتی است که برای اشاره به گروهی از افراد یا چیزهایی که ویژگی‌های مشابهی دارند استفاده می‌شود»،^۱ هر یک از مناظره‌ها، با استفاده از گونه‌شناسی^۲ که تجزیه و تحلیل براساس گونه‌ها یا دسته‌بندی‌های خاص است^۳ و اجزایش با ویژگی‌های خاصی که متقابلاً منحصر به فرد و در مجموع جامع هستند، شناسایی می‌شوند^۴ به کوچکترین جزء ممکن، تقسیم بندی شده‌اند و سپس با دسته‌بندی موضوعی که یکی از اجزای اصلی فرایند پژوهش^۵ [با عنوان «مناظره»] است اجزای تقسیم‌بندی شده با ویژگی‌های خاص و مشترک [مثلاً «استدلال‌ها به قرآن»] در یک دسته قرار گرفته‌اند.

سیستم‌های دسته‌بندی موضوعی ممکن است از کلمات یا عبارات و یا علامت‌هایی برای نشان دادن موضوعات استفاده کنند،^۶ این پژوهش برای دسته‌بندی موضوعات خود، با توجه به «فرایند تقسیم اجزاء به گروه‌ها براساس گونه آن‌ها»^۷ اجزاء با ویژگی‌های مشابه و مشترک را در یک دسته قرار داده و برای آن دسته از علامت‌گذاری عبارتی، استفاده کرده‌است مانند: «استدلال به قرآن»، «استناد به احادیث» و...

پژوهش در نحوه استفاده بهینه از «سیستم علامت‌گذاری دانشگاهی مشترک»^۸ [در اینجا علامت‌گذاری عبارتی]، به عنوان نمونه یکی از دسته‌بندی‌های صورت گرفته بر روی دانشجویان مسلمان را در کتاب «اسلام در محوطه دانشگاه: هویت‌ها و فرهنگ‌های متضاد

^۱ - <https://dictionary.cambridge.org/grammar/british-grammar/sort-type-and-kind>

^۲ - typology

^۳ - <https://www.merriam-webster.com/dictionary/typology#learn-more>

^۴ - <https://www.britannica.com/science/typology>

^۵ - <https://www.jisc.ac.uk/guides/managing-course-information/subject-classification>

^۶ - <https://dictionary.archivists.org/entry/subject-classification.html>

^۷ - <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/classification>

^۸ - JACS: Joint Academic Coding System

آموزش عالی در بریتانیا» (Scott-Baumann et al, 2020: 241) که نشان دهنده دسته‌بندی گونه‌شناسانه دانشجویان مسلمان در رشته‌های دانشگاهی مختلف در هر دسته است، مورد توجه قرار داده است. براساس این روش کار، گونه‌های مختلف موضوعات موجود در مناظره‌ها با ویژگی‌های مشابه، در عناوین خاص و منحصر بفرد، قرار گرفتند. توجه به این کتاب به دلیل ساختاری بوده که براساس آن، گونه‌های مختلف موضوعات و مسائل موجود با ویژگی‌های مشابه را در عناوین خاص و منحصر بفرد، قرار داده است. روشی که در این مقاله هم از آن بهره گرفته شده است.

۵. عناوین مورد بررسی در مناظره‌ها؛

۵.۱. رویکردهای استدلالی و استنادی به:

۵.۱.۱. قرآن؛

۵.۱.۲. احادیث؛

۵.۱.۳. روایاتی که نزد سائل صحیح است؛

۵.۱.۴. سنت و سیره رسول الله (ص) و صحابه؛

۵.۲. رویکردها در سؤالات بی‌ربط، تفسیر اشتباه و به رای سائلین و ذکر

خصوصیات غیر واقعی برای اشخاص؛

۵.۳. رویکردهای خاص در «مناظره‌ها» و «پرسش و پاسخ»ها؛

۵.۱.۱. رویکردهای استدلالی و استنادی به قرآن:

رویکرد امام (ع) در پاسخ به سائلین مسلمان در موارد متعددی، استدلال و استناد به قرآن بوده است؛ از جمله:

۵.۱.۱.۱. قتاده بن دعامه در مناظره با امام باقر (ع) گفت:

«به خدا سوگند من تاکنون در برابر فقیهان بسیار و نیز پیش روی

ابن عباس نشسته‌ام ولی آن گونه که اکنون در برابر شما مضطرب شده‌ام، در مقابل

هیچ یک احساس نگرانی و اضطراب نداشته‌ام» (کلینی، ۱۴۲۱ق: ۲۵۶/۶)؛

امام باقر (ع) در پاسخ به اظهار او فرمودند:

«تو می‌دانی کجا نشسته‌ای؟ تو در مقابل خاندانی هستی که خداوند درباره

آن فرموده است: «فِي بَيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ

وَالْأَصَالِ» (نور: ۳۶) و «رِجَالٌ لَاتُلْهِمُهُمْ تِجَارَةٌ وَلاَبَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ» (نور: ۳۶)، پس جایگاه تو آنجاست و ما آن خاندانیم که خدا توصیف کرده‌است» (همو، همان).

۵. ۱. ۱. ۲. ابی‌الجارود به نقل از امام(ع) می‌گوید:

ابوجعفر فرمودند: «إِذَا حَدَّثْتُمْ بِشَيْءٍ فَاسْأَلُونِي عَنْهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ» [اگر چیزی به شما گفتم از من درباره آن، از کتاب خدا بپرسید]، پس از آن در برخی از سخنانشان فرمودند: «رسول خدا(ص) از قیل و قال، فساد مالی و فساد در زمین و پرس و جوی زیاد، نهی فرمودند». به ایشان گفتند: ای فرزند رسول خدا(ص)، این در کجای کتاب الله است؟ فرمودند: خداوند در کتابش می‌گوید: «لَاخَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ» (نساء: ۱۱۴) و فرمودند: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» (نساء: ۵) و «لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ إِنْ تُبَدَّ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ» (مائده: ۱۰۱)، (برقی، ۱۳۷۱ق: ۱/۲۶۹).

۵. ۱. ۱. ۳. در استدلال برای حروری، که ابوبکر جزو گروهی که خدا آرامش خود را بر آنان نازل کرده، نبوده، با استناد به قرآن استدلال می‌فرماید:

«ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ» (توبه: ۲۶)، این دسته از مؤمنین که مشمول این آیه شدند، کسانی بودند که فرار نکردند و آنان تنها ۹ نفر بودند. علی(ع)، ابودجانه، ایمن و شش نفر دیگر از بنی‌هاشم؛ پس، از این آیه هم معلوم می‌شود ابوبکر جزو گروهی که خدا آرامش خود را بر آنان نازل کرده، نبوده، بلکه جزء فراریان بوده‌است» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۲۷/۳۲۱).

۵. ۱. ۱. ۴. نافع بن ازرق^۱ غلام عبدالله بن عمر بن خطاب که همراه با هشام به حج آمده بود، به وسیله او متوجه امام(ع) شد و به قصد طرح سوالات خود به حضور امام(ع) رسید و در آغاز به ایشان گفت:

«آمده‌ام از شما سؤالاتی بپرسم که هیچ‌کس جز پیامبر یا جانشین پیامبر یا پسر جانشین پیامبر نمی‌تواند به من پاسخ دهد؛ امام(ع) فرمودند: بپرس» (قمی، ۱۴۰۴ق: ۲/۲۸۵).

^۱ - پایه‌گذار و رهبر ازارقه، از فرقه‌های خوارج بوده، که در دوران بنی امیه می‌زیسته‌است.

نافع سوالات خود را طرح و پاسخ‌هایش را شنید از جمله سوالات او، سوال از آیه‌ای از قرآن بود؛ امام(ع) پاسخ پرسش او را با آیه‌ای از قرآن دادند؛ نافع گفت:

«از آنچه خدا گفته: «وَأَسْأَلُ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ» (زخرف: ۴۵) به من بگو، پیامبر(ص) از چه کسی سؤال کرد؟ درحالی که بین او و عیسی پانصد سال فاصله بود؛ امام(ع) درپاسخ این آیه را تلاوت کردند: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا» (اسراء: ۱) و از جمله آیاتی که خداوند حین سفر به سوی بیت المقدس به او نمایاند این بود که خداوند تمام انبیاء و مرسلین را از اولین و آخرین محشور فرمود، سپس به جبرئیل امر کرد اذان بگوید... سپس محمد(ص) جلو ایستاد و آن‌ها پشت سرش نماز خواندند» (همو، همان).

۵. ۱. ۱. نافع پرسش قرآنی دیگری هم داشته که امام(ع) به استناد پاسخ سوالی که از او می‌کنند با آیه‌ای از قرآن، پاسخ پرسش او را می‌دهند:

«نافع گفت: از این قول خداوند تبارک و تعالی: «يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ» (ابراهیم: ۴۸) برایم بگو، زمین به چه دگرگون می‌شود؟ امام(ع) فرمودند: زمین ما به نان سفیدی تبدیل می‌شود که از آن می‌خورند تا خداوند از حساب خلائق فارغ شود؛ سپس نافع گفت: مردم در آن روز به خوردن و آشامیدن، می‌رسند؟ امام(ع) از نافع پرسیدند: این‌ها، در آن وقت یا در آتش، مشغول ترند؟ نافع گفت: در آتش مشغول ترند؛ امام(ع) فرمودند: پس خداوند فرموده است: «أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ» (اعراف: ۵۰)، عذاب دردناک آتش مانع خواهش ایشان نیست، پس چون درخواست طعام کنند به ایشان زقوم بخوراند و چون طلب آب کنند به آنان حمیم بنوشانند (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ۱۶۹/۲).

۵. ۱. ۱. ۶. امام(ع) در مناظره با هشام بن عبدالملک در قصر او و در پاسخ به این ادعایش که گفت:

«علی ادعای علم غیب می‌کرده درحالی که خداوند کسی را بر علم غیب

خود آگاه نکرده است» (راوندی، ۱۴۰۹ق: ۲۹۱/۱).

با استناد به قرآن چنین استدلال فرموده‌اند:

«خداوند متعال بر پیامبر کتابی فرستاد که در آن هر چه بود و تاروز قیامت خواهد بود، نوشته شده است. زیرا می‌فرماید: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل: ۸۹)، یا در جای دیگر می‌فرماید: «وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إمام مُبِينٍ» (یس: ۱۲)، و نیز فرمود: «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» (انعام: ۳۸) پس حق تعالی به پیامبرش وحی کرد که از غیب و اسرار علمش چیزی را باقی نگذارد، مگر آن که آن را به امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب(ع) بگوید و نیز رسول مکرم(ص) امر فرمود که علی(ع) بعد از او قرآن را جمع کند و متولّی غسل و کفن و حنوط او باشد» (همو، همان).

۵. ۱. ۱. ۷. امام(ع) در مناظره با قتاده با استناد به قرآن درباره تفسیری که او از قرآن داشته، فرموده‌اند:

«خدای تعالی در سوره سبا می‌فرماید: «وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لِيَأْتِيَهُمْ وَأَيَّامًا آمِنِينَ» (سبا: ۱۸)، این آیه را برایم تفسیر کن؛ قتاده گفت: این آیه درباره کسی است که از خانه خود با زاد و توشه و مرکب حلال به سوی خانه کعبه حرکت می‌کند، خداوند می‌فرماید او در امن و امان است تا به خانه خود برگردد؛ امام‌باقر(ع) فرمودند: آیا تا به حال پیش نیامده کسی با زاد و توشه حلال به زیارت خانه خدا برود ولی در راه، دزدان او را بگیرند و اموالش را ببرند و او را چنان بزنند که دیگر نتواند به راه خود ادامه دهد؟ قتاده گفت: چرا؛ امام(ع) فرمودند: وای بر تو ای قتاده، اگر قرآن را از پیش خود تفسیر کنی! در این صورت هم خودت هلاک شده‌ای و هم دیگران را هلاک کرده‌ای! این آیه درباره کسی است که از خانه خود با زاد و توشه حلال حرکت کند و به زیارت خانه خدا بیاید و به حق ما ائمه معصومین آگاه باشد و قلبش ما را طلب کند و در سرش هوای ما باشد» (کلینی، ۱۴۲۱ق: ۲۵۶/۶).

۵. ۱. ۱. ۸. در مناظره با طاووس یمانی، در مواردی در پاسخ به سؤالات او با استناد به قرآن پاسخ داده‌اند از جمله در پاسخ به این سؤال طاووس از ایشان که:

«کدام گروه هستند که شهادت به حق داده‌اند، ولی دروغگو هستند؟»

(طبرسی، ۱۴۰۳ق: ۳۲۸/۲) فرموده‌اند: «منافقینی که به رسول‌الله(ص) گفتند: ما شهادت می‌دهیم که تو رسول‌خدایی؛ سپس آیه نازل شد که: «إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ

قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يُعَلِّمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ»
(منافقون: ۱) (همو، همان).

۵. ۱. ۱. ۹. حمران بن اعین از امام باقر(ع) درباره آیه «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (بقره: ۱۱۷) سوال کرد (کلینی، ۱۴۲۱ق: ۱/۲۵۶)، ایشان فرمودند:

آیا قول خداوند متعال را که فرمود: «وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ» (هود: ۷) نشنیده‌ای؟ یعنی عرش خداوند پیش از آفرینش آسمان و زمین بر روی آب مستقر بوده است. پس از آن حمران گفت: آیا قول خداوند متعال در قرآن را که فرمود: «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا» (جن: ۲۶) ملاحظه فرموده‌ای؟! امام(ع) فرمودند: «إِلَّا مَنْ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ» (جن: ۲۷)، (همو، همان).

علاوه بر این موارد، موارد دیگری هم در پرسش‌ها و پاسخ‌ها با مسلمانان هست که امام(ع) باتوجه به اعتقاد سائین به قرآن، به قرآن استناد کرده و پاسخ داده‌اند ولی همچنان که در آغاز یادآوری شد از مواردی که اگر چه هم سوال، قرآنی و هم پاسخ آن از سوی امام(ع) مستند به آیات قرآن بوده است ولی «سوال و جواب»، صورت مناظره نداشته، چشم‌پوشی شده است.

۵. ۱. ۲. رویکردهای استدلالی و استنادی به احادیث:

۵. ۱. ۲. ۱. امام(ع) در مناظره‌ها، پاسخ سؤالات برخی را با استناد به احادیث می‌دادند از جمله وقتی حروری در طرح یکی از سؤالات خود گفت: ابوبکر در روزی که بیماری رسول خدا(ص) شدت یافته بود، در مسجد به جای ایشان به نماز ایستاد (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۳۲۱/۲۷) امام(ع) در پاسخ فرمودند:

«این که گفتم ابوبکر با مردم نماز خواند، پاسخت را بشنو! ابوبکر، آن روز مأمور بود تحت فرمان و پرچم اسامه بن زید باشد و همه راویان، متفق القول هستند که ابوبکر با اسامه چندین فرسخ از مدینه بیرون رفته بود. پس چگونه ممکن است رسول خدا(ص) به او امر کرده باشد با مردم نماز بخواند؟ رسول خدا(ص) نه تنها امر نکرده بود که لشکریان اسامه برگردند، بلکه چندین بار فرموده بود: لشکر اسامه را تقویت کنید! خدا لعنت کند کسی را که از او سرپیچی کند؛ و تازه خود شما می‌گویید وقتی ابوبکر به نماز ایستاد و تکبیر گفت، رسول خدا(ص) که خانه‌اش چسبیده به

مسجد بود، صدای او را شنید و شتابان درحالی که برعلی(ع) و فضل‌بن‌عباس تکیه کرده بود و پاهای مبارکش روی زمین کشیده می‌شد، به مسجد وارد شد و ابوبکر هنوز به رکوع نرفته بود که رسول‌خدا(ص) جلو آمد و ابوبکر را از محراب کنار زد و خودش نماز را از ابتدا شروع فرمود. همه این‌ها دلیل بر این است که نماز ابوبکر بدون امر رسول‌خدا(ص) بوده است و روایات صحیحی موجود است مبنی بر این که هرگاه بلال اذان می‌گفت و پیامبر نمی‌توانست برای نماز حاضر شود، امیرالمؤمنین علی(ع) را به نماز امر می‌فرمود» (همو، همان).

۵. ۱. ۲. ۲. امام‌سجاد(ع) روزی در مجلسی مطالب مهم رسول‌خدا(ص) معروف به «حدیث منزلت» را برای حضاران بیان می‌فرمودند یکی از حضار برخاست و پرسید:

«ای فرزند رسول‌خدا(ص)! چگونه چنین چیزی ممکن است درحالی که این نوع تصرفات و معجزات فقط برای پیامبران مقدور است، نه غیرآن‌ها؛ امام‌سجاد(ع) فرمودند: این معجزه رسول‌خدا(ص) بود؛ به دعای رسول‌خدا(ص) بود که حجاب‌ها از چشم علی(ع) کنار رفت» (طبرسی، ۱۴۱۷ق: ۱۳۳/۱)؛

امام‌باقر(ع) که در مجلس حضور داشتند، فرمودند: «ظلم این امت به امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب چقدر زیاد است و یاران او چقدر کم! آیا حتی آنچه را برای باقی اصحاب پیامبر(ص) قبول دارید، برای علی(ع) قبول ندارید، درحالی که او برترین صحابه است؛ شما دوستان ابوبکر را دوست دارید و از دشمنانش بیزار می‌جوئید؛ همچنین دوستان عمر و عثمان را دوست دارید و از دشمنان آنان نیز بیزار می‌جوئید هرکس که باشد! اما به امیرالمؤمنین که می‌رسید، می‌گوئید دوستانش را دوست داریم ولی از دشمنانش بیزار می‌نداریم، بلکه آن‌ها را هم دوست داریم! این کار چگونه جایز است، درحالی که رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره او فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاؤُهُمُ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَأَخْذَلْ مَنْ خَذَلَهُ» (همو، همان).

البته رویکرد به حدیث در پاسخ به سوالات، علاوه بر مناظره‌ها در «سوال و جواب»‌هایی هم که حالت مناظره نداشته، و بنابراین در این مقاله مطرح نشده، مشاهده شده‌اند.

۵. ۱. ۳. رویکردهای استدلالی و استنادی به روایاتی که نزد سائل صحیح است:

گاه، رویکرد امام(ع) در پاسخ به سائل، استناد به روایاتی بوده که وی قبول داشته و ایشان به این وسیله به اقناع او می‌پرداخته‌اند؛ مناظره با سالم از این نوع است:

«سالم به حضور امام باقر(ع) رسید و گفت: آمده‌ام درباره‌ی علی بن ابی طالب سؤال کنم؛ درباره‌ی کارهایی که کرده‌است؛ جنگ با اصحاب نهروان و صفین و...؛ امام(ع) فرمودند: به روایاتی که در نظر تو کاملاً صحیح است، توجه کن! آیا این حدیث را شنیده‌ای؟ رسول خدا(ص) در جنگ خیبر، پرچم انصار را به دست سعد بن عباده داد و او رفت ولی شکست خورد و برگشت؛ سپس رسول خدا(ص) پرچم مهاجرین و انصار را به عمر بن خطاب داد؛ او هم پس از مدتی هراسان برگشت؛ رسول خدا(ص) سه بار فرمودند: آیا مهاجر و انصار باید این چنین باشند؟ سپس فرمودند: فردا پرچم را به دست مردی می‌دهم که همواره حمد خدا را می‌گوید، هرگز فرار نمی‌کند، خدا و رسولش او را دوست دارند و او نیز خدا و رسولش را دوست دارد؛ مگر آن مرد امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب نبود؟ سالم گفت: بله! همه می‌گویند! امام باقر(ع) فرمودند: ای سالم! اگر بگویی خداوند علی(ع) را دوست داشته، ولی نمی‌دانسته در آینده چه اعمالی از او صادر می‌شود که در این صورت کافر هستی چون نسبت دادن جهل به خداوند کفر است! و اگر بگویی او را دوست داشته و می‌دانسته چه می‌کند، پس از کدام کار او می‌توانی اشکال بگیری، در حالی که خداوند او را با همان عملش دوست داشته‌است؟ سالم گفت: دوباره استدلال خود را تکرار کنید. امام باقر(ع) دو مرتبه آن را بیان فرمودند» (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج/۳۲۸).

۵. ۱. ۴. رویکردهای استدلالی و استنادی به سنت و سیره رسول الله(ص) و صحابه‌ای که سائل به آن‌ها اعتماد داشته‌است:

پیش از ذکر مواردی در این بخش، نقل قولی از علامه سیدمرتضی عسکری، در تبیین چرایی استدلال به سنت صحابه در مناظره، با وجود عدم حجیت آن، مفید است؛ او می‌گوید:

«شما در امر امامت، بحث و تحقیق می‌کنید و در مباحث خود، به روایت‌هایی که در همان کتاب‌های پیروان مکتب خلفا آمده‌است، استدلال می‌کنید چرا که مقام مناظره ایجاب می‌کند به چیزی استدلال شود که طرف مقابل به آن اقرار و اعتماد داشته‌باشد. این ممکن نیست، مگر وقتی که به کتاب‌های طرف مخالف مراجعه و محتویات آن‌ها را به عنوان گواه ارائه‌دهید» (عسکری، ۱۳۹۷ش: ۵۴۹)؛

۵. ۱. ۴. ۱. رویکرد امام(ع) در پاسخ به سؤال سائیلین، گاه استناد به سنت و عمل صحابه بوده‌است؛ ایشان در مناظره با عبدالله بن معمر لیثی چنین کرده‌اند:

«عبدالله بن معمر لیثی خدمت امام باقر(ع) رسید و گفت: شنیده‌ام شما از دواج موقت را حلال دانسته‌اید؛ امام(ع) فرمودند: خداوند آن را در کتابش حلال کرده، رسول خدا(ص) سنت فرموده و اصحاب او هم عمل کرده‌اند» (اربلی، ۱۳۸۲ش: ۱۴۹/۲).

۵. ۱. ۴. ۲. ایشان با استناد به سیره رسول‌الله(ص) که مورد قبول سائل بوده به نتیجه مطلوب خویش رسیده از جمله در مناظره با نافع بن ازرق فرموده‌اند:

«رسول خدا(ص) سعد بن معاذ را در جنگ با یهودیان بنی قریظه حکم قرارداد و خداوند هم حکمیت او را امضاء فرمود. مگر اینان (خوارج) نمی‌دانند که امیر المؤمنین که حکم قرارداد، معنای آن، این بوده که به حکم قرآن، حکم کنند و شرط کرده که اگر برخلاف قرآن حکم کردند، حکم‌شان مردود است؟ پس این خوارج به امیر المؤمنین بیهتان و افترا می‌زنند» (قمی، ۱۴۰۴ق: ۲۸۴/۲).

۵. ۱. ۴. ۳. امام(ع) در مناظره‌ها به قول صحابه‌ای هم که مورد تایید سائل بوده استناد کرده‌اند؛ ایشان در مناظره با هشام و در دفاع و ذکر فضائل امام علی(ع)، قول عمر بن خطاب را یادآور شده‌اند:

«بدان، ای هشام، که هیچ‌یک از اصحاب پیامبر تاویل کامل قرآن را نمی‌دانست مگر علی بن ابی طالب و برای همین است که رسول خدا(ص) به اصحاب‌شان فرمودند: داناترین شما به علم قضاوت، علی بن ابی طالب است؛ و عمر بن خطاب بارها می‌گفت: اگر علی(ع) نبود، عمر هلاک می‌شد؛ عمر به علم

علی (ع) گواهی می‌داد، ولی عده‌ای هستند که آن را انکار می‌کنند» (راوندی، ۱۴۰۹ق: ۲۹۱/۱).

۵. ۲. رویکردها در سؤالات بی‌ربط، تفسیر اشتباه و به رای سائلین و ذکر خصوصیات غیر واقعی برای اشخاص؛

امام (ع) در مناظره‌ها، سؤالات بی‌ربط سائلین را تحمل نمی‌کردند، تفسیر اشتباه و تفسیر به رای سائلین را یادآوری و تصحیح می‌نمودند و ذکر خصوصیات غیر واقعی برای اشخاص را بر نمی‌تافتند؛ از جمله:

۵. ۲. ۱. در مناظره با عبدالله معمر لیثی و در ماجرای حلالیت ازدواج موقت، وقتی امام (ع) فرمودند:

«ما به قول خدا و رسول هستیم و تو بر قول رفیقت باش» (اربلی، ۱۳۸۲ش: ۱۴۹/۲)؛ عبدالله در پاسخ ایشان گفت: «آیا برای خود شما خوشایند است زاننان متعه شوند؟» (همو، همان) امام (ع) چون بی‌توجهی عبدالله به استناد امام (ع) به قول خدا و رسول (ص) را ملاحظه فرمودند بی‌ربطی پاسخ عبدالله را تحمل نکردند و فرمودند: «این چه سؤالی است، احمق؟ همان خدایی که متعه را در کتابش برای بندگانش مباح دانسته، از تو و از آن کسی که بی‌دلیل آن را نهی کرده، غیرتمندتر است» (همو، همان).

۵. ۲. ۲. در مناظره با حسن بصری، امام (ع) تفسیر اشتباه او بر آیه «وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سَيْرُوا فِيهَا لِيَالِي وَأَيَّاماً آمِنِينَ» (سبا: ۱۸) را به او تذکر دادند و فرمودند:

«شنیده‌ام که جای امن را به مکه تفسیر کرده‌ای؟ وای بر تو! این چه امنیتی است که اموال اهالی آنجا به سرقت می‌رود و همواره عده‌ای کشته می‌شوند؟» (همو، همان)؛

و به این گونه اعتراض خود را به تفسیر اشتباه آیات قرآن اعلام نمودند و در ادامه تفسیر صحیح آیه را به او یادآوردند:

«این آیه مثالی است که خداوند درباره‌ی ما اهل بیت رسالت، بیان داشته‌است. ما سرزمین مبارک و سرزمین‌های آشکار هستیم و «قُرًى ظَاهِرَةً»

نمایندگان و فقهای پیرو ما هستند که میان ما و شیعیان مان قراردارند و مطالب ما را به آنان می‌رساندند» (همو، همان).

۵. ۲. ۳. وقتی امام(ع) در مناظره با قتاده از او خواستند آیه «وَقَدْزْنَا فِيهَا السَّيْرَ سَيْرُوا فِيهَا لِيَالِي. وَأَيَّامًا آمِنِينَ» (سبا: ۱۸) را برایشان تفسیر کند او گفت:

«این آیه درباره کسی است که از خانه خود با زاد و توشه و مَرگَب حلال به سوی خانه کعبه حرکت می‌کند. خداوند می‌فرماید او در امن و امان است تا به خانه خود برگردد» (کلینی، ۱۴۲۱ق: ۲۵۶/۶)؛ امام(ع) فرمودند:

«آیا تا به حال پیش نیامده کسی با زاد و توشه حلال به زیارت خانه خدا برود ولی در راه، دزدان او را بگیرند و اموالش را ببرند و او را چنان بزنند که دیگر نتواند به راه خود ادامه دهد؟ قتاده گفت: چرا؛ امام(ع) فرمودند: وای بر تو ای قتاده، اگر قرآن را از پیش خود تفسیر کنی!» (همو، همان) و به این ترتیب اعتراض خود را به تفسیر به رای آیات قرآن اعلام داشتند.

۵. ۲. ۴. امام(ع) خصوصیت‌هایی را که حروری به گمان خودش برای ابوبکر فضیلت می‌دانست، همه را نقص و عیب او شمردند؛ حروری در مناظره با امام(ع) گفت:

«ابوبکر به دلیل چهار خصوصیت، سزاوار امامت و خلافت است» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۳۲۱/۲۷) و سپس خصوصیات ابوبکر را یک‌به‌یک شرح داد؛ در پایان امام(ع) فرمودند:

«وای بر تو! این خصوصیات که به گمان تو برای ابوبکر فضیلت به شمار می‌آید، همه نقص و عیب است» (همو، همان).

امام(ع) در ادامه مناظره، تک تک خصوصیات ذکر شده برای ابوبکر را بیشتر با استناد به قرآن رد فرمودند و در مجموع در این مناظره‌ها نشان دادند که سؤال بی‌ربط، تفسیر اشتباه، تفسیر به رای و خصوصیات غیر واقعی را بر نمی‌تابند.

۵. ۳. رویکردهای خاص در «مناظره‌ها» و «پرسش و پاسخ»ها:

امام(ع) در مناظره‌ها و در پاسخ به بعضی از سائیلین رویکردهایی داشته‌اند که هریک از آن‌ها از ویژگی خاصی برخوردار هستند؛ از جمله:

۵.۳.۱. مشروط کردن پاسخ به دانستن؛

امام (ع) در مناظره با هشام بن عبدالملک پاسخ را مشروط به دانستن می‌کنند؛ در این مورد امام صادق (ع) می‌فرماید:

«هشام گفت: ای اباجعفر! مساله‌ای از تو می‌پرسم؛ پدرم امام باقر (ع) فرمود: بپرس! اگر بدانم جواب می‌گویم و گرنه می‌گویم نمی‌دانم» (راوندی، ۱۴۰۹ق: ۲۹۱/۱).

مشروط کردن پاسخ به دانستن، باتوجه به این که امام (ع)، هیچ سوالی را بی‌پاسخ نگذاشته و گاه نشان داده که از عقیده سائل هم اطلاع داشته‌اند از جمله وقتی در پاسخ سوال نافع بن ازرق، از او می‌پرسند «عقیده خودم را بگویم یا عقیده تو را» و چون او می‌خواهد امام (ع) هردو را بگویند، ایشان قول نافع را هم می‌گویند (قمی، ۱۴۰۴ق: ۲۸۴/۲)، از این نظر دارای اهمیت است که امام (ع) با گفتن این که «اگر بدانم جواب می‌گویم و گرنه می‌گویم نمی‌دانم» فضای مناظره، مخاطبین و سائل را این گونه آماده می‌کنند که سائلین با شخصیتی مواجه هستند که پاسخ‌هایش از روی دانایی است. محققین به این که امام (ع)، پیش از برگزاری مناظره برای تاثیر بر آن، زمینه را آماده و فضا سازی می‌کرده‌اند اشاره داشته‌اند از جمله احمد ترابی در کتاب «امام باقر علیه السلام: جلوه امامت در افق دانش» آورده‌است که امام (ع) پیش از برگزاری مناظره، زمینه و فضای تاثیر بر مناظره را پدید می‌آوردند (ترابی، ۱۳۷۳ش، ۸۳)، از جمله وقتی یکی از سران خوارج با گروهی از یارانش برای مناظره به حضور امام باقر (ع) رسیدند امام (ع) فرمودند اکنون بازگردند و فردا بیایند فردای آن روز، ایشان فرزندان مهاجر و انصار را گرد آوردند تا هر یک پیش از سوالات گروه خوارج، فضیلتی از امیرالمومنین علی (ع) را که می‌داند بازگو کند (همو، همان).

۵.۳.۲. عدم اصرار بر قول خود؛

امام (ع) وقتی زمینه‌ای برای پذیرش قول خود نمی‌دیده، بر آن قول اصرار نمی‌فرموده‌اند؛ در مناظره با عبدالله معمر لیثی:

«امام (ع) فرمودند خداوند آن را [ازدواج موقت] در کتابش حلال کرده، رسول خدا (ص) سنت فرموده و اصحاب او هم عمل کرده‌اند؛ عبدالله

گفت: اما عمر بن خطاب آن را حرام کرد؛ امام(ع) فرمودند: ما به قول خدا و رسول(ص) هستیم و تو بر قول رفیقت باش!» (اربلی، ۱۳۸۲ش: ۱۴۹/۲).

۵.۳.۳. پاسخ متناسب با شخصیت سائل؛

از مناظره با عثمان‌الاعمی چنین برمی‌آید که پاسخ‌های امام(ع) در مناظره‌ها متناسب با شخصیتی که سائل داشته، بوده و همه آنچه را که ایشان در پاسخ می‌دانسته، آشکار نمی‌فرموده بلکه به فراخور سائل و حاضران در مناظره پاسخ می‌داده‌اند:

«ای عثمان! علم از زمان رسالت حضرت نوح همیشه پنهان و مکتوم بوده‌است، زیرا گوهری است که تارزش آن را نشاناسند و آن را به قصد عمل کردن نیاموزند، باید مخفی بماند. علم برای کسی باید آشکار شود که ارزش علم را بداند و بخواهد که آن را به قصد عمل بیاموزد در غیر این صورت باید برای او مخفی بماند» (صفار قمی، ۱۳۸۱ش: ۹/۱).

و نیز تذکر این نکته به او که: «علم فقط نزد ائمه‌است و هر کس علمش را از غیر ائمه گرفته باشد هر چه بگوید از پیش خود است و عقیده‌اش باطل است» (همو، همان).

۵.۳.۴. همراهی نکردن با قصد سائل؛

ابوحنیفه در مناظره با امام(ع) می‌خواست ایشان به گروهی از کوفیان که به قول ابوحنیفه ایشان را امام(ع) می‌پنداشتند نامه بنویسند (به آنان بنویسند که امام(ع) نیستند!) اما امام(ع) با استدلال و استناد به رفتار خود ابوحنیفه، آنچه را که او می‌خواست (دادن سندی به دست و قلم امام(ع) مبنی بر این که ایشان امام(ع) نیستند!) بلا اثر فرمودند و نشان دادند که اولاً از فرمان به کسی که ایشان را اطاعت نمی‌کند، اجتناب می‌فرمایند و ثانیاً ضمن تشخیص اهداف دیگران، در راستای اهداف باطلی که برخی از ایشان در مناظره‌ها داشته‌اند بایشان همراهی نمی‌کرده‌اند:

«ابوحنیفه گفت: گروهی در کوفه می‌پندارند که تو امامی؛ امام(ع)

فرمودند: با آنان چه کنم؟ ابوحنیفه گفت: نامه بنویس و به آن‌ها خبر بده! امام(ع)

فرمودند: آن‌ها از من اطاعت نمی‌کنند! آن‌ها که غایب هستند، مانند شما هستند که

اکنون اینجا هستی؛ من به تو گفتم اینجا نشین، تو اطاعت نکردی! اگر به اهل کوفه هم بنویسم، فرمان مرا اطاعت نمی کنند!» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق: ۱۹۸/۴).

بیل و ویلیامز، در تحقیق خود، بی توجهی به نظر امام (ع) و عاقبت آن را چنین آورده اند:

«می گویند امام باقر (ع) به برادر ناتنی خود زید، پسر صیغه ای پدرش و مدعی اولیه مهدویت که زیدیان نام خود را از او گرفته اند، هشدار داد که در کوفه علیه بنی امیه قیام نکند، اما زید به او توجهی نکرد و در آنجا کشته شد» (Bill & Williams, 2002, 40).

۵.۳.۵. پاسخ به سائیلن درهر موقعیتی؛

روایت مناظره امام (ع) باقر با قتاده بن دعامه که پیش از این بیان شد نشان می دهد که امام (ع) به صورت روزانه به سؤالات مراجعه کنندگان درهر موقعیتی پاسخ می داده یا با افرادی هم، غیر از آن ها که مناظره یا گفتگوهایشان ضبط و ثبت شده، مناظره و گفتگو داشته اند اما مغفول مانده یا انعکاس تاریخی نیافته اند، در نتیجه آنچه از «پرسش و پاسخ»ها و «مناظره ها» ثبت شده و موجود است تمامی فرمایشات ایشان نیست؛

۵.۳.۶. عدم تمایل به هم صحبتی و همنشینی با بعضی؛

برخی برای سؤال به حضور امام (ع) می رسیده ولی علی رغم عدم تمایل امام (ع) به هم صحبتی و همنشینی با آن ها، به طرح سؤال می پرداخته اند مانند ابوحنیفه که با وجود تصریح امام (ع) به این که:

«تو مرد مشهوری هستی و من نمی خواهم نزد من بنشینی»

(ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق: ۱۹۸/۴)؛ نزد امام (ع) می نشیند و سؤالات خود را مطرح می کند! و نیز مانند هشام بن عبدالملک که امام (ع) را برای مناظره به کاخ خود احضار می کند.

نتیجه ها:

مقابله مستمر مستشرقان با قرآن و در نتیجه با اسلام که مستند به نتایج پژوهش های آن هاست، مهجوریت قرآن که از گذشته تا حال وجود داشته و دارد و مستند به نتایج پژوهش های محققین علوم اسلامی هم هست و تغییر مستمر، بی وقفه و با حداکثر سرعت ممکن در مسائل مبتلا به جهانی، که بروز و مشهود است، ضرورت روزافزون قرآن پژوهی و

قرآن محوری تحقیقات و محققین در پاسخیابی و پاسخگویی متناسب با مسائل مبتلابه روز از قرآن و لزوم سوق انگیزه‌ها و رویکردهای پژوهشی به سوی این کتاب مقدس الهی را آشکار می‌کند و از سویی هم، جامعیت قرآن که «تبیین کننده هر چیز است»، توجه به اهمیت استمرار آینده‌سازی قرآن با درس از تجربه‌های مثبت و منفی گذشته و سیره قرآنی امام‌باقر(ع) که «برای هر پرسشی، پاسخی قرآنی داشته‌اند»، مخصوصاً اهمیت امام(ع) در نگاه برخی از مستشرقین که ایشان را به عنوان پژوهش‌گری مذهبی، بسیار فراتر از محافل شیعه دانسته‌اند، ایجاب می‌کنند که مسائل پژوهشی، قرآن‌محور شوند و پاسخگویی قرآنی به مسائل و جایگاه قرآن در پژوهش‌ها برجسته شوند؛ بویژه این که لزوم پژوهش در قرآن و توجه بیش از پیش به پژوهش‌های قرآنی بیش از آنچه تا کنون به آن پرداخته شده و می‌شود محسوس است و استفاده از سیره امام(ع)، تحلیل مناظره‌ها و کشف و انعکاس تاثیر آن‌ها به جای گزارش تاریخی صرفشان، نیازی است که جای آن‌ها در تحقیقات خالی است.

علاوه بر این، آنچه سیره امام‌باقر(ع) در مناظره‌ها و رویکردهای ایشان به دست می‌دهند و در فرآیند گفتگوها، تعاملات و پژوهش‌های علمی، راهنمون و راهگشا هستند، عبارتند از: در پاسخ به سوال پیروان ائمه، مسلمانان، صاحبان عقاید انحرافی و فرقه‌های مذهبی غیرامامیه، بر قرآن، حدیث، سیره رسول‌الله(ص)، سنت و باورهای اعتقادی سائلین و به قول صحابه‌ای که مورد تایید سائل است استدلال و استنادشود؛

با تفسیر اشتباه، تفسیر به‌رای و ذکر خصوصیات غیرواقعی برای افراد، برخوردشود؛

پاسخ‌ها مشروط به دانستن و متناسب با شخصیت سائل و حاضران باشد؛

بر پاسخی که زمینه پذیرشش نیست اصرار نشود؛

از همنشینی با مشاهیر و از فرمان به کسی که شما را اطاعت نمی‌کند، پرهیز گردد؛

ضرورت قرآن‌محوری پژوهش‌ها با عنایت به «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹) و «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» (فرقان: ۳۰) برای آوردن قرآن به بطن جامعه، مشهود است؛

انگیزه‌ها و رویکردهای پژوهشی، در پاسخگویی به مسائل مبتلابه جامعه، بر محوریت قرآن و تمسک به سیره ائمه(ع) بویژه امام‌باقر(ع) قرار گیرند.

پیشنهاد:

نویسندگان پیشنهاد می‌کنند: به لحاظ اهمیت مناظره‌های امامان شیعه (ع) - همان‌طور که مناظره‌های امام باقر (ع) از طریق گونه‌شناسی، دسته‌بندی موضوعی شده و بخشی از رویکردهای ایشان در مناظره‌ها [رویکردهای قرآنی] در حد وسیع بررسی گردیده و به فراخور توان جمع‌بندی نهایی شده‌اند - پژوهشگران، طلاب و دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی، رویکردهای دیگر امام باقر (ع) در مناظره‌ها و مناظرات ائمه دیگر بویژه امام صادق (ع) و امام رضا (ع) را به تفکیک، گونه‌شناسی موضوعی نمایند یا در صورت امکان و به صورت گسترده‌تر، «گونه‌شناسی موضوعی - تحلیلی رویکردهای امامان شیعه در مناظره‌ها» را در قالب پایان‌نامه به انجام رسانند و در حاشیه تحقیق خود به صورت یک تحقیق جنبی، مناظرات امامان شیعه و مناظرات آکادمیک عصر معاصر در غرب را گونه‌شناسی تطبیقی نمایند و افزون بر ساختار این پژوهش، ساختاری کاربردی برای مناظره‌ها با الگو از سیره ائمه اطهار (ع) ایجاد کنند.

منابع:

قرآن کریم.

۱. امام عسکری (ع)، ح. (۱۴۰۹ق)، التفسیر الامام العسکری (ع). ج ۱، ج ۱، قم: مدرسه امام مهدی (ع).
۲. ابن بابویه، م. (۱۳۹۸ق)، التوحید. قم: جامعه مدرسین.
۳. ابن شهر آشوب، م. (۱۳۷۹ق). مناقب آل ابی طالب. ج ۴، قم: علامه.
۴. اربلی، ع. (۱۳۸۲ش). کشف الغمّة. تهران: اسلامیه.
۵. اقبالی، محمد طاهر (۱۳۸۷ش). محورهای تقریب مذاهب اسلامی. / نَدیشه تقریب. ۵ (۱۷). ۹۲-۷۵.
۶. برقی، الف. (۱۳۷۱ق). المحاسن. ج ۱. قم: دارالکتب الإسلامیه.
۷. ترابی، الف. (۱۳۷۳ش). امام باقر علیه السلام: جلوه امامت در افق دانش. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۸. حافظ اصفهانی، الف. (۱۴۰۷ق)، حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء. ج ۱، بیروت: دارالکتب العربی.
۹. حکیم، س. م. (۱۳۸۵ش)، پیشوایان هدایت، شکافنده علوم، حضرت امام محمد باقر علیه السلام. مترجم کاظم حاتمی طبری، ج ۷، قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع).
۱۰. دانشنامه ویکی فقه: <https://fa.wikifeqh.ir>

۱۱. راوندی، ق. (۱۴۰۹ق). الخرائج والجرائح، ج ۱، قم: مؤسسه امام‌مهدی (عج).
۱۲. صالحی، س.ع. (۱۳۸۸ش)، فضل‌الله و گستره معارف قرآن، پژوهش‌های قرآنی، (۶۴)، ۲۳-۴.
۱۳. صفارقمی، محمدبن‌حسن (۱۳۸۱ش)، بصائرالدرجات، ج ۱، قم: المكتبة‌الحیدریه.
۱۴. طباطبایی، س. م. ح. (۱۳۷۳ش)، المیزان، مترجم: سیدمحمدباقر موسوی‌همدانی، ج ۵، قم: دفترانتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۵. طبرسی، الف. (۱۴۰۳ق). الاحتجاج. ج ۲، مشهد: مرتضی.
۱۶. طبرسی، ف. (۱۴۱۷ق). إعلام‌الوری بأعلام‌الهدی، ج ۱، قم: مؤسسه آل‌البيت عليهم‌السلام لاهیات التراث.
۱۷. عسکری، س. م. (۱۳۹۷ش). نقش‌نامه عليهم‌السلام در احیای دین، ج ۱، قم: مؤسسه علمی فرهنگی علامه عسکری.
۱۸. قرائتی، م. (۱۳۹۲ش). نامه دردمندان قرائتی درباره مهجوریت قرآن، برگرفته از پیوند زیر: <https://www.mashregnews.ir/news/225027/>
۱۹. قمی، ع. (۱۴۰۴ق). تفسیرالقمی. ج ۲. قم: دارالکتاب.
۲۰. کلینی، م. (۱۴۲۱ق). الکافی. ج ۶. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۲۱. لغت نامه دهخدا. (۱۳۷۲ش). تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۲. مجلسی، م. ب. (۱۴۰۴ق). بحارالانوار. ج ۲۷. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۳. مجلسی، م. ب. (۱۴۰۴ق). بحارالانوار. ج ۱۰. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۴. مطهری، م. (۱۳۶۸ش). ده‌گفتار. تهران: صدرا.
۲۵. مکارم‌شیرازی، ن. (۱۳۷۴ش). تفسیر نمونه. ج ۱۱. تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.
۲۶. هرودوت (۱۳۸۶ش). تاریخ هرودوت. مترجم: هادی‌هدایتی، ج ۳. ۲. تهران: دانشگاه تهران.
27. Bill, J. A., Williams, J. A. (2002). Roman Catholics and Shi'i Muslims: Prayer, Passion, and Politics. United States: University of North Carolina Press.
28. Buckley, R. P. (2020). Muḥammad al-Bāqir. In K. Fleet, G. Krämer, D. Matringe, J. Nawas and D. J. Stewart (eds.), *Encyclopaedia of Islam Three Online*. Brill. https://doi.org/10.1163/1573-3912_ei3_COM_36641. <https://archives.palarch.nl/index.php/jae/article/view/11555>
29. Hammad, A. (2022). Demurrer of Denial's Approach toward HADITH and its Authenticity. *Ma'ārif Research Journal*, 23, 1-18.
30. Islam, M., Khan, J., Inayat, S., Haq, A., Ali, S., Muhammad, M. A., & Jan, S. H. U. (2022). AN ANALYSIS OF SOME CONTEMPORARY

ORIENTALISTS' OPINIONS ON THE ISLAMIC HIJAB (VEIL). *PalArch's Journal of Archaeology of Egypt/Egyptology*, 19(4), 920-931.

<https://archives.palarch.nl/index.php/jae/article/view/11555>

31. Kohlberg, E. (2012). Zayn al-'Abidin, 'Ali B. Husayn." In P. Bearman, Th. Bianquis, C. E. Bosworth, E. van Donzel, and W. P. Heinrichs (eds.), *Encyclopaedia of Islam 2nd Online*.
32. Lalani, A. R. (2004). *Early Shi'i Thought: The Teachings of Imam Muhammad Al-Baqir*. United Kingdom: Bloomsbury Academic.
33. Lilti, A. (2009). The kingdom of politesse: salons and the republic of letters in eighteenth-century Paris. *Republics of Letters: A Journal for the Study of Knowledge, Politics, and the Arts*, 1(1), 1-11.
34. Nasreen, H. (2013). Orientalists on Qur'an: A Critical Study. *Dialogue*, 8(1), 35-52.
35. Nielsen, P. (2017). *How to Debate the Left on Islam*. South Carolina: CreateSpace Independent Publishing Platform.
36. Oxford English Dictionary. (1993). (N.P.): Oxford University Press, Incorporated.
37. Scott-Baumann, A., Guest, M., Naguib, S., Cheruvallil-Contractor, S., Phoenix, A. (2020). *Islam on Campus: Contested Identities and the Cultures of Higher Education in Britain*. United Kingdom: Oxford University Press.
38. The Merriam-Webster Dictionary. (2022). United States: Merriam-Webster, Incorporated.

References:

1. The Holy Quran.
2. Imam Askari (A.S.), H. (1409 A.H.). Al-Tafsir al-Imam al-Askari (a.s.). Vol.1, first edition. Qom: Imam Mahdi School.
3. Askari, S. M. (1397 A.H.). The role of imams in the revival of religion. Vol. 1, Qom: Allameh Askari's Scientific - Cultural Institute.
4. Barqi, A. (1371 A.H.). Al-Mahasen. vol.1, Qom: Dar al-Kutub Al-Islami.
5. Bill, J. A., Williams, J. A. (2002). Roman Catholics and Shi'i Muslims: Prayer, Passion, and Politics. United States: University of North Carolina Press.
6. Buckley, R. P. (2020). Muḥammad al-Bāqir. In K. Fleet, G. Krämer, D. Matringe, J. Nawas and D. J. Stewart (eds.), *Encyclopaedia of Islam Three Online*. Brill. https://doi.org/10.1163/1573-3912_ei3_COM_36641
7. Dekhoda Dictionary. (1372 A.H.). Tehran. University of Tehran Publishing and Printing Institute.
8. Hafiz Isfahani, A. (1407 A.H.), Hilyat al-Awliya' WA Tabaqat al-Asfiya. vol. 1, Beirut: Dar al-Kutub al-Arabi.
9. Hakim, S. M. (1385 A.H.), the Leaders of Guidance, the Breaker of Sciences, Hazrat Imam Muhammad Baqir (A.S.), and Translated by Kazim Hatami Tabari. vol.7, Qom: Ahl al-Bayt World Assembly.
10. Hammad, A. (2022). Demurrer of Denial's Approach toward HADITH and its Authenticity. *Ma'arif Research Journal*, 23, 1-18.
11. Herodotus. (1386 A.H.). the History of Herodotus. Translated by Hadi Hidayati. Vol.3, 2nd edition. Tehran: University of Tehran.
12. Ibn Shahrashub, M. (1379 A.H.). Manaqib Al Abi Talib. Vol.4, Qom: Allameh.
13. Ibn Babawayh, M. (1398 A.H.). Al-Tawhid. Qom: *Jameeh Modarresin*.
14. Iqbali, M. (1387 A.H.). Axioms of Approximation of Islamic Religions. *Andisheh Al-Taqrīb*, 5(17). 75-92.
15. Irbili, A. (1382 A.H.). Kashf Al-Ghumma. Tehran: Islamia.
16. Islam, M., Khan, J., Inayat, S., Haq, A., Ali, S., Muhammad, M. A., & Jan, S. H. U. (2022). AN ANALYSIS OF SOME CONTEMPORARY ORIENTALISTS' OPINIONS

ON THE ISLAMIC HIJAB (VEIL). *PalArch's Journal of Archaeology of Egypt/Egyptology*, 19(4), 920-931.

<https://archives.palarch.nl/index.php/jae/article/view/11555>

17. Kohlberg, E. (2012). Zayn al-'Abidin, 'Ali B. Husayn." In P. Bearman, Th. Bianquis, C. E. Bosworth, E. van Donzel, and W. P. Heinrichs (eds.), *Encyclopaedia of Islam 2nd Online*.

18. Kulayni, M. (1421 A.H.). Al-Kafi. Vol. 6, Tehran: The studies office of history and Islamic sciences.

19. Lalani, A. R. (2004). Early Shi'i Thought: The Teachings of Imam Muhammad Al-Baqir. United Kingdom: Bloomsbury Academic.

20. Lilti, A. (2009). The kingdom of politesse: salons and the republic of letters in eighteenth-century Paris. *Republics of Letters: A Journal for the Study of Knowledge, Politics, and the Arts*, 1(1), 1-11.

21. Majlisi, M. B. (1404 A.H.). Bihar Al-Anwar vol. ۱۰، Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.

22. Majlisi, M. B. (1404 A.H.). Bihar Al-Anwar vol.27, Beirut: *Dar Ihya al-Turath al-Arabi*.

23. Makarem Shirazi, N. (1374 A.H.). Tafsir Namuneh. vol. 11, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.

24. Mutahhari, M. (1368 A.H.). Dah Guftar, Tehran: Sadra.

25. Nasreen, H. (2013). Orientalists on Qur'an: A Critical Study. *Dialogue*, 8(1), 35-52.

26. Nielsen, P. (2017). How to Debate the Left on Islam. South Carolina: CreateSpace Independent Publishing Platform.

27. Oxford English Dictionary. (1993). (N.P.): Oxford University Press, Incorporated.

28. Qaraati, M. (1392 A.H.). Qaraati's painful letter about the abandonment of the Quran. Taken from the link: <https://www.mashregnews.ir/news/225027/>

29. Qomi, A. (1404 A.H.). Tafsir al-Qomi. Vol. 2, Qom: Dar Al-Kitab.

30. Ravandi, Q. (1409 A.H.). *Al-Kharaej Val-Jaraeh*. Vol.1, Qom: Imam Mahdi Institute.

31. Safar Qomi, M. (1381 A.H.). *Basair Al-Darajat*. Vol.1, Qom: Al-Maktaba Al-Haydriya.

32. Salehi, S. A. (1386 A.H.), Fazlullah and the scope of Qur'anic knowledge, *Qur'anic Studies*, 16(64), 4-23.
33. Scott-Baumann, A., Guest, M., Naguib, S., Cheruvallil Contractor, S., Phoenix, A. (2020). *Islam on Campus: Contested Identities and the Cultures of Higher Education in Britain*. United Kingdom: Oxford University Press.
34. Tabarsi, A. (1403 A.H.). *Al-Ihtijaj*. Vol.2, Mashhad: Murtaza.
35. Tabarsi, F. (1417 A.H.). *E'alam al-Wara bi A'alam al-Hoda*. Vol.1, Qom: Aal Al-Bayt Institute, Li-Ahya al-Turath.
36. Tabatabai, S. M. H. (1373 A.H.). *Almizan*. Translated by Sayyid Muhammad Baqir Mousavi Hamedani. Vol.5, Qom: Islamic Publishing House of the *Society of Seminary Teachers of Qom*.
37. *The Merriam-Webster Dictionary*. (2022). United States: Merriam-Webster, Incorporated.
38. Torabi, A. (1373 A.H.), Imam Baqir (A.S.): The manifestation of Imamate in the horizon of knowledge. Mashhad: Islamic Research Foundation of Astane Quds Razavi.
39. Wiki fiqh encyclopedia: <https://fa.wikifeqh.ir>